بازخوانی اشعار صحن‌وسرای حرم رضوی(۱۰)

علی باقریان|اینک، متن دو لوحِ سنگیِ ورودیِ صحنِ عتیق از سمتِ خیابانِ عُلیا که در یادداشت پیشین به آن‌ها پرداختیم. ابتدا، متن لوح دست‌راستی که ناظر به رویداد دورتری است، یادگار میانه‌های سال ۱۲۷۸ خورشیدی، سال سومی که مظفرالدین‌شاه فرمانروایی داشت و سال دومی که میرزاعلی‌اصغرخان دوباره صدراعظم شده بود، و صدیق‌الدوله متولی‌باشی، و سپس توضیح چند نکته:

●●●

«لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ ٱلْعَامِلُونَ'. در عهدِ دولتِ جاویدمدتِ بندگان اعلی‌حضرتِ‌اقدس‌شاهنشاهِ‌اسلامیان‌پناه، السلطان‌ابن‌السلطان‌ابن السلطان‌ابن‌السلطان‌والخاقان‌ابن‌الخاقان‌ابن‌الخاقان‌ابن‌الخاقان، السلطان مظفرالدین‌شاهِ قاجار ـ خَلَّدَ ٱللهُ مُلْكَهُ ـ و اَوانِ صدارتِ حضرتِ مستطابِ اجلٌ امجدِ اشرفِ افخمِ اکرم، میرزا علی اصغرخانِ صدراعظم ـ مُدَّ ظِلُّهُ ٱلْعالی ـ این چاکرِ دربارِ مَعْدلت‌مدار و حاجبِ آستانِ قدسِ سرکارِ فیض‌آثار، محمدرضا صدیق‌الدولهٔ متولّی‌باشی، بر حسبِ امرِ قَدَرقُدْرِ ملوکانه، به تعمیرِ مُطیف و صحنینِ مبارک و نهرِ خیابانِ عُلیا و سُفلیٰ و احداثِ طاحونه و چراغ‌ها و طارَمی‌های کنارِ نهر پرداخت و به خیابانِ 'مظفر' موسوم ساخت. فی شهرِ رجبِ ٱلْمُرَجَّب ۱۳۱۷. کَتَبَهُ محمد الموسوی صَنیع ٱلتّولیة.»

●●●

آنچه بر صدر این لوح می‌خوانیم متن آیه ۶۱ سوره صافات است که فارسی آن، مطابق ترجمه ابراهیم عاملی (یکی دیگر از کارگزاران آستان رضوی)، می‌شود «باید هرکه هرچه کند برای چنین سودی کند.» با رجوع به اصل، درمی‌یابیم که در آیات پیشین سخن از بهشت و بهشتیان بوده است؛ پس، اولیای امر، احتمالا، این آیه را اینجا نقش زده‌اند که بگویند کاری کرده‌اند برای رسیدن به بهشت یا همان رضای خدا. آن «بندگان» کلمه‌ای است که برای اکرام بزرگان به‌کار می‌برده‌اند. اما این امر که واژه‌های «سلطان» و «خاقان»، علی‌رغم اینکه مظفرالدین‌شاه پنجمین حاکم قاجاری بوده است، چهار بار در این متن آمده‌اند چه وجهی دارد؟ («سلطان» پنجم محض یادآوری و تأکید است.) پاسخ را باتوجه به سلسله‌نسب مظفرالدین‌شاه می‌شود یافت، سلطانی که فرزند ناصرالدین‌شاه (سومین سلطان یا خاقان قاجاری) فرزندمحمدشاه (دومینِ ایشان) نوه‌فتحعلی‌شاه (نخستینِ ایشان) بود. توضیح اینکه آغامحمدخان، سرسلسله قاجار به‌که حاضر نبود خود را «سلطان» بخواند، فرزندی نداشت که جانشینش باشد؛ بنابراین، برادرزاده خود، فرزند حسینقلی‌خان جهانسوز، یعنی باباخان (فتحعلی‌شاه آینده)، را ولیعهد ساخت. فتحعلی‌شاه که با تخلص «خاقان» (به‌معنی «امپراتور») شعر هم می‌گفت و عنوان و لقب را هم بسیار دوست می‌داشت خود را «سلطان و «خاقان» اعلام کرد. او که پسر خود، عباس‌میرزا، را ولیعهد کرده بود، پس از مرگ ولیعهد بر اثر بیماری، پسر او، یعنی محمدمیرزا، را به‌جانشینی برگزید. پس از محمدشاه هم ناصرالدین‌میرزا به قدرت رسید و سپس مظفرالدین‌میرزا. پس، نسب حاکم پنجم قاجاریان به حاکم نخستِ ایشان نمی‌رسد که بنابر آن لازم بوده باشد «سلطان و «خاقان» را پنج بار بنویسند. در ادامه متن، بعد از ذکر چند صفت گردن‌فرازانه برای صدراعظم و یک صفت خاکسارانه برای متولی‌باشی، اصل مطلب را در نهایت ایجاز ذکر کرده‌اند. محمد موسوی هم که نامش در پایان آمده است کاتبِ خوشنویس متن بوده است که مانند بسیاری دیگر، کمابیش متناسب با کار و جایگاهش، در آن دستگاه عنوان ویژه‌ای داشته است؛ «صنیع‌التولیه»، با تسامح و تساهل، یعنی زبردستی که پرورده تولیت و در خدمت آن است، عنوانی از نوع «ارفع‌التولیه» و «اعتضادالتولیه» و «اقبال‌التولیه».

●●●

اما متن لوح دست‌چپی قطعه‌ای است از محمدکاظم صبوری، ملک‌الشعرای وقت آستان قدس رضوی، که در دیوان شاعر ذیل عنوان «ماده‌تاریخ جاری‌ساختن آب نهر سلسبیل به صحن مقدس به‌وسیلهٔ شاهزاده نیرالدوله» آمده است، بازمانده از سال نخست نیمه دوم حکومت مظفرالدین‌شاه، سال ۱۲۸۱ خورشیدی که نیرالدوله هم والی خراسان بود هم متولی‌باشی آستان قدس رضوی. حواشی دیگر می‌ماند برای یادداشت بعدی؛ فعلا، اصل شعر را بخوانید:

●●●

«'جَنّاتٌ تَجْرِی مِن تَحتِهَا ٱلْأَنهارُ'. در حریم زادهٔ موسی که خاکِ درگهش/ چون دمِ عیسی‌بن‌مریم شد شفابخشِ علیل// آن که بر دربارِ او از بهرِ حاجت روز و شب/ جُسته مرد و زن پناه و گشته اِنس و جان‌دخیل// در زمانِ شاهِ خورشیدافسرِ جمشیدجاه/ کز شهانش در عدالت نیست نوشِروان عَدیل// شاه‌پیل‌افکن مظفرشه که روزِ کارزار/ زخمِ تیغ و تیرِ او را برنتابد پشتِ پیل// واندر آن دوران که اقلیمِ خراسان را جمال/ شاهزاده داده چون فردوس از خلقِ جمیل// نیّرالدوله سرِ نام‌آوران سلطان حسین/ آن که آمد دودهٔ قاجار را خیرُالسَّلیل// با دلِ دریانَوالش بحر را گویم لَئیم/ با کفِ دیناربارش ابر را خوانم بخیل// فخرِ اَبناءِ سلاطین است از نسل و نژاد/ تاجِ اولادِ خَواقین است از اصلِ اصیل// خواست چون مانَد بدین درگاه از او آثارِ خیر/ کایزد باقی بقای جمله را بادا کَفیل// کوه‌ها از همتِ والای خود برکَنْد و راه/ سهل بر اربابِ ثروت کرد و اَبناءُالسبیل// از شریف‌آباد کرد این شه‌نژادِ باشرف/ شاهراهِ مستقیم آن سنگلاخِ مستطیل// سَلْسَبیلی کرد جاری پس در این دربارِ قدس/ کش طبیعت همچو کافور و مزاجش زنجبیل// در چنین صحنی که آمد از طراوت چون بهشت/ سَلْسَبیلی این‌چنین بایست جاویدان سَبیل// گر سِکندر سوی این عینُ‌الشَّرف می‌بُرْد راه/ خضر نآمد جانبِ عینُ‌الْحیات او را دلیل// آتشِ اندوه و غم بر دل کُنَد این آبْ سرد/ چون ز آبِ رحمت آتش بر تن و جانِ خلیل// این یکی کارش کز او دائم رضا بادا امام/ کارهای دیگرش را نیز بشمر زین قبیل// کشوری زِاجرای آب این شهریار آباد کرد/ در دو عالم پاک‌یزدانش دهاد اجرِ جَزیل// الغرض تاریخِ سالش را صبوری مصرعی/ جست‌وجو می‌کرد از طبعِ روان‌تر زآبِ نیل// سر برآورد از میان چون آبْ شد تاریخِ سال/ در بهشت آمد سَبیل آبِ زُلالِ سَلْسَبیل// گر دگر تاریخ می‌خواهی روان‌مانندِ آب/ یک‌هزار و سیصد است و بیست اندر بارُس ئیل».

زین قند پارسی

علیرضا حیدری|مدرس و ویراستاری

باهمهٔ تأکیدی که برای پرهیز از به‌کاربردن حشو در نوشته‌ها وجود دارد، گاهی تکرارهایی که به‌ظاهر حشو به‌شمار می‌آیند، بدنیست. این نوع تکرارها برای تأکید بیشتر است مانند:

- شور شور
- تلخ تلخ
- خوب خوب
- خام خام
- نرم نرم

#زین_قند_پارسی

شهرآرا
۴شنبه
۳۰ فروردین ۱۴۰۲
۲۸ رمضان ۱۴۴۴
شماره ۳۹۲۱
SHAHRARANEWS.IR
۱۰
جوانه

گفت وگو با صبا زردکانلو، مترجم ادبیات کودک و نوجوان

داستان‌هایی شفاف با چالش‌های الهام‌بخش

حسام‌الدین نجفی

گفت وگو

صبا زردکانلو، مترجم ادبیات کودک و نوجوان، تاکنون چهار کتاب را با عنوان‌های «یک کودک‌ربایی»، «داستان ممنوعه»، «درست مثل باران» و «از سرزمین‌های انگور» به فارسی برگردانده است. آثاری که به گفته مترجمش، هر کدام می‌تواند دریچه‌ای به تجربه‌ای تازه باشد و همین موضوع را یکی از انگیزه‌هایش برای انتخاب کتاب برای ترجمه مطرح می‌کند. او نوجوانی را دورانی حساس و پرافت‌وخیز می‌داند که کتاب مناسب و هم‌ذات‌پنداری با شخصیت‌های آن می‌تواند کمکی به نوجوانان باشد برای داشتن تصویر و تصور شفاف‌تری از آنچه پیرامونشان رخ می‌دهد. به باور زردکانلو، چالش‌هایی که شخصیت‌ها در داستان با آن رو به رو می‌شوند و تلاشی که برای حل آن می‌کنند می‌تواند برای مخاطب نوجوان برای پشت سر گذاشتن چالش‌ها و مشکلاتش نیز الهام‌بخش باشد.

چطور به ترجمه ادبیات کودک و نوجوان علاقه‌مند شدید و برای انتخاب کتاب چه مبنا و ملاک‌هایی مدنظر دارید؟

من سال‌ها به‌عنوان مدرس زبان انگلیسی با گروه‌های سنی نوجوان و بزرگ‌سال کار کرده‌ام و همین تجربه بود که به طور خاص من را به دنیای نوجوان‌ها علاقه‌مند کرد. اینکه چه کتابی را برای ترجمه انتخاب می‌کنم می‌تواند عوامل مختلفی داشته باشد؛ از جمله جذابیت و تأثیرگذاری داستان و اینکه چقدر با داستان یا قهرمان داستان ارتباط برقرار می‌کنم؛ آن داستان چقدر می‌تواند برای خواننده نوجوان یا حتی بزرگ‌سال دریچه‌های تازه‌ای بگشاید و به تجربه و درکش از دنیای پیرامون و حتی دنیای درونی خودش کمک کند. قطعا نثر و روایت زیبا، وجود پیچیدگی‌های درست در روند داستان و پرداختن به موضوع‌های چالش‌برانگیز زندگی هم از عوامل مؤثر در انتخابم هستند.

محور اصلی هر چهار اثری که ترجمه کردید یعنی «یک کودک ربایی»، «داستان ممنوعه»، «درست مثل باران» و «از سرزمین‌های انگور» ماجراجویی‌های کودکانه است و شخصیت اصلی در تخیلش شروع می‌کند به حل وفصل ماجرا و اینکه چطور از مهلکه نجات پیدا کند. به نظر می‌رسد این گونه داستان‌ها برای بچه‌ها جذاب‌تر است و شما هم برای همین دست به انتخاب آن‌ها زدید.

خب فکر می‌کنم نیاز است که تفکیکی بین مخاطب «کودک» و «نوجوان» قائل شویم، چرا که این دو گروه با هم یکی نیستند و طبیعتا کتاب‌هایی که برای هرکدام از این دو گروه نوشته می‌شوند هم بسیار متفاوت هستند. همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردم، کتاب‌هایی که تا به امروز با ترجمه من به چاپ رسیده‌اند در حوزه «نوجوان» هستند. قهرمان‌های این داستان‌ها با مسائلی روبه‌رو می‌شوند که در زندگی واقعی برای هرکسی ممکن است پیش بیاید و این شخصیت‌ها که در حال گذار از کودکی به بزرگ‌سالی هستند و دارند مرحله به مرحله چهره واقعی زندگی را تجربه می‌کنند، در روند داستان با چالش‌ها و مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند و به توانایی‌های خود پی می‌برند و تلاش می‌کنند روی پای خود بایستند و از آن سوی این مسیر پرپیچ‌وخم پیروز بیرون بیایند. ژانر یا سبک این کتاب‌ها «رئال» یا «واقع‌گرا» است و در مواردی «تاریخی» و «ماجراجویانه» نیز در نظر گرفته می‌شوند، البته این مسئله که شخصیت‌ها در داستان با مشکلاتی مواجه شوند و با استفاده از توانایی‌های فردی و ذهنی خود تلاش کنند از پس آن‌ها بربیایند، می‌تواند در هر ژانری وجود داشته باشد و جزئی از خط سیر معمول داستان است که الزاما محدود به گروه سنی خاصی هم نیست، اما به عقیده من پرداختن به چنین چالش‌هایی و الهام‌بخشی برای عبور از مشکلات و یافتن جواب و راه‌حل به‌طور خاص می‌تواند برای نوجوانان جذاب و مهم باشد؛ چرا که بنا به اقتضائات این دوران حساس و پرافت‌وخیز، نوجوانان می‌توانند به خوبی با این شخصیت‌ها و مسائلشان هم‌ذات‌پنداری و تصویر خودشان را از دنیا و زندگی شفاف‌تر و روشن‌تر کنند.

آیا شما هم مثل برخی از مترجمان حوزه کودک قبل از انتشار کتاب، متن فارسی ترجمه‌تان را برای بهترشدن و مطمئن شدن از کارتان به چند نوجوان می‌سپارید؟ به نظرتان این اتفاق اگر قبل از ترجمه رخ بدهد چقدر می‌تواند به بهترشدن اثر کمک کند؟



صبا زردکانلو: من به ترجمه امانت دارانه معتقدم و باور دارم که شخصیت‌ها و توصیفات داستان متعلق به من نیستند که هرطوری بخواهم تغییرشان بدهم. کتاب متعلق به خالق و نویسنده‌اش است و مترجم وظیفه دارد دنیای کتاب را همان‌طور که مدنظر نویسنده است به مقصد برساند

فرایند ترجمه رمان نوجوان نیز مانند ترجمه هر کتاب دیگری فارغ از گروه سنی مخاطب، طولانی، پیچیده و تخصصی است. موارد گوناگونی در روند ترجمه واژه به واژه کتاب در نظر گرفته می‌شود که از جمله آن‌ها می‌شود به ساختار زبان مبدأ و مقصد، سبک نوشتاری و پیام و هدف موردنظر نویسنده و تطابق سبک و واژگان و توصیفات انتخابی در زبان مقصد با متن اصلی اشاره کرد. من به ترجمه امانت‌دارانه معتقدم و باور دارم که شخصیت‌ها و توصیفات داستان متعلق به من نیستند که هرطوری بخواهم تغییرشان بدهم. کتاب متعلق به خالق و نویسنده‌اش است و مترجم وظیفه دارد دنیای کتاب را همان‌طور که مدنظر نویسنده است به مقصد برساند. حالا در این فرایند، بنا به پیچیدگی‌ها و تفاوت‌های زبانی، این وظیفه بر دوش مترجم قرار می‌گیرد که متن را با اقتضائات زبان مقصد تطبیق دهد و در نهایت متنی یکپارچه و قابل‌فهم و متناسب با مخاطب زبان مقصد ارائه دهد. هر چیزی که در این فرایند به مترجم کمک کند تا بهترین انتخاب را داشته باشد به‌طورقطع خالی از لطف نیست. بدون شک در حوزه ادبیات نوجوان، توجه به واژگان و زبان قابل‌فهم برای این گروه سنی امر مهمی است و باید به نحوی که مترجم مناسب می‌داند، در نظر گرفته شود.

موقع انتخاب واژگان یا برابرنهادها آیا به سواد فارسی کودکان و نوجوانان هم توجه می‌کنید؟ برخی‌ها اعتقاد دارند این بر عهده خواننده است که اگر به کلمه یا اصطلاحی برخورد و معنایش را نمی‌دانست، جست‌وجو کند و معنی‌اش را بیابد و مترجم نباید خودش را به سطح واژگانی خوانندگانش فروبکاهد.

به‌طورقطع توجه به سطح زبانی مخاطب در ادبیات کودک و نوجوان بسیار کلیدی و مهم است. در ترجمه نسبت به تألیف کار کمی ساده‌تر است، چرا که واژگان از قبل توسط نویسنده در زبان مبدأ انتخاب شده است. مترجم باید سطح واژگان انتخابی در کتاب را تشخیص دهد و آن‌ها را در زبان مقصد معادل‌یابی کند. تأکید می‌کنم که در درجه اول باید دید نویسنده چه گفته و چه خواسته است. در درجه بعد، کار می‌رسد به تشخیص تناسب واژگان انتخابی در ترجمه با مخاطبان زبان مقصد. هماهنگی تمام این موارد با هم همان چیزی است که ترجمه را تخصصی و پیچیده می‌کند. به عقیده من رعایت حدی از تعادل و تناسب در انتخاب زبان و واژگان ضروری و مطلوب است، به‌گونه‌ای که متن در نهایت هم برای خواننده جذاب و قابل‌فهم و روان باشد و هم واژگان تازه‌ای را به او معرفی و بر دانشش اضافه کند.

سؤال همیشگی فعالان حوزه ادبیات کودک و نوجوان این است؛ چرا حجم آثار ترجمه شده به نسبت آثار تألیفی این قدر بیشتر است؟ این یعنی ما در کشور با کمبود شدید قصه‌گو برای کودکان روبه‌روییم؟ از طرفی، آیا مخاطب حوزه کتاب کودک و نوجوان هم مانند حوزه بزرگ‌سال به داستان‌گوی ایرانی اعتمادی ندارد و ترجیح می‌دهد کار ترجمه‌ای بخواند؟

در کشور ما حساسیت‌های زیادی روی کتاب‌های کودک و نوجوان و محتوای تولیدی برای کودک و نوجوان وجود دارد که در بسیاری از موارد حتی کار ترجمه را نیز با مشکل مواجه می‌کند. به طورقطع چنین حساسیت‌هایی در زمینه تألیف سخت‌تر و مشکل‌سازتر و همچون مانعی بزرگ و سنگین سر راه خلاقیت و پرورش ذهن هستند. ادبیات کودک و نوجوان امروز در دنیا بسیار با توجه روبه‌رو شده است و بر اهمیتش تأکید می‌شود. اینکه ما بتوانیم آزادانه و آگاهانه برای گروه‌های سنی مختلف تولید محتوا و خلق ادبی داشته باشیم، طوری که به همه مسائل مهم زندگی پرداخته شود، می‌تواند در فرایند رشد و شکل‌گیری شخصیت و شکوفایی توانایی‌های کودکان و نوجوانان و آگاهی‌رسانی به آن‌ها بدون جهت‌دهی‌های سوگیرانه تأثیر بسزایی بگذارد. ما قصه‌گو و نویسنده و شاعر و تصویرساز و هنرمند کمتر از دیگر نقاط دنیا نداریم، ادبیات در ذات فرهنگ ما ریشه دارد.

اگر مشکلات و موانع ساختاری موجود اصلاح شود، اگر دست نویسنده و هنرمند باز گذاشته شود و سامان دهی به این حوزه به افراد متخصص و دلسوز واگذار شود، شک ندارم که بهترین آفرینش‌های داستانی و ادبی را خواهیم داشت. از طرف دیگر، اقتصاد ادبیات و نشر نیز در کشور ما معیوب و ضعیف است. مطمئنا فرایند خلق یک اثر ادبی بسیار زمان‌بر و پیچیده است که این مسئله به‌ویژه برای مخاطب نوجوان، پیچیدگی‌های بیشتری را هم به وجود می‌آورد.

متأسفانه تیراژ پایین چاپ و ثبات نداشتن در شرایط اقتصادی که بازار کتاب را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، کار را برای نویسندگان سخت می‌کند. در نهایت باید به کمبود متخصص در حوزه ادبیات کودک و نوجوان اشاره کنم. این حوزه به رغم اینکه در یک دهه اخیر نسبت به دیگر حوزه‌های نشر، رونق خوبی پیدا کرده است و به نظر می‌رسد طیفی از کودکان و نوجوانان ما به مطالعه کتاب اقبال نشان داده‌اند، اما از سوی جامعه علمی و دانشگاهی هنوز آن‌طور که باید و شاید جدی گرفته نشده است و در نتیجه، متخصصان زیادی در این حوزه وجود ندارند.

درباره بخش دوم سؤالتان باید بگویم که فکر نمی‌کنم بی‌اعتمادی نسبت به کتاب‌های تألیفی وجود داشته باشد. کتاب‌هایی که ترجمه می‌شوند اغلب کتاب‌هایی هستند که در دنیایی آزاد خلق شده و استانداردها و معیارهایی را داشته‌اند. ناشران بیشتر به سراغ کتاب‌هایی می‌روند که جوایز معتبر کسب کرده و رکوردهای فروش خوبی را ثبت نموده‌اند.

معمولاً این کتاب‌ها به نقاط مختلف دنیا رسیده و به زبان‌های مختلف ترجمه شده‌اند، طبیعی است که چنین کتاب‌هایی از جذابیت بالایی برای مخاطبان فارسی‌زبان هم برخوردار باشند، اما بسیاری از کتاب‌های تألیفی هم هستند که چنین ویژگی‌هایی دارند و درصورتی که از حمایت مناسب برخوردار و به درستی معرفی شوند، به طورقطع با اقبال خوبی روبه‌رو خواهند شد.



خبر

مدیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی استان:

اهدای بیش از ۱۹۰ هزار جلد کتاب به کتابخانه‌های عمومی

با آغاز سال ۱۴۰۲ مدیرکل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی درباره تأمین منابع کتابخانه‌ای استان به «شهرآرا» گفت: «در طول سال ۱۴۰۱، بالغ بر ۲۲ هزار نسخه کتاب به ارزش تقریبی ۱۰ میلیارد ریال توسط اداره کل خریداری، سامان‌دهی و در بین کتابخانه‌های عمومی استان توزیع شد. خرید کتاب با توجه به نیازسنجی تخصصی انجام شده در کتابخانه‌های عمومی استان اعم از نهادی و مشارکتی به‌وسیله اعضا، مراجعان و کتابداران و با در نظر گرفتن شناسایی خلاءهای مجموعه کتابخانه‌ها به واسطه بازدیدهای کارشناسی و حمایت از آثار نویسندگان و ناشران بومی استان در موضوع‌های مختلفی همچون رمان، روان‌شناسی، دین، علوم کاربردی، ادبیات، فلسفه، حقوق، تاریخ و علوم اجتماعی و در رده‌های سنی بزرگ‌سال و کودک و نوجوان انجام شده است.

علی‌اکبر سبزیان خاطرنشان کرد: همچنین هرساله نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور با در نظر گرفتن سهمیه خرید کتاب با توجه به نیازهای عمومی‌تر کتابخانه‌ها به صورت مستمر و مستقیم به توزیع کتاب اقدام می‌کند. حجت‌الاسلام و المسلمین علی‌اکبر سبزیان، مدیرکل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی، با تقدیر از همراهی مجموعه سازمان‌ها، عموم مردم و خیران در اهدای کتاب به مجموعه کتابخانه‌های عمومی استان، گفت: از ابتدای سال ۱۴۰۱ تا انتهای سال بالغ بر ۱۹۰ هزار کتاب به‌وسیله خیران، ناشران، نویسندگان، اعضای کتابخانه‌ها و سازمان‌ها در موضوع‌های مختلف و رده‌های سنی بزرگ‌سال و کودک و نوجوان به ارزش تقریبی پنجاه میلیارد ریال به کتابخانه‌های عمومی استان اهدا شده است. وی تصریح کرد: از این تعداد بالغ بر ۱۰۳ هزار نسخه از کتاب‌های اهدایی ثبت و به مجموعه منابع کتابخانه‌ها اضافه شده است. کتاب‌های اهدایی جذب شده از سوی کتابخانه‌های عمومی نیز عموما از طریق اعضا و به صورت مستقیم به کتابخانه‌ها اهدا می‌شود. سبزیان ابراز کرد: کتاب‌های اهدایی از سوی مردم، سازمان‌ها، نهادها و دیگر دستگاه‌های اجرایی به اداره کل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی نیز پس از انتقال به مرکز مبادله کتاب شهید آوینی و طی مراحل بررسی و کارشناسی وارد چرخه توزیع و انتقال به کتابخانه‌ها می‌شود.

درنگ

قانون ممنوعیت به کارگیری واژه‌های بیگانه و حوزهٔ بازرگانی



علیرضا حیدری
روزنامه نگار و مدرس ویراستاری

از جمله بندهایی که در قانون مصوب مجلس با عنوان «ممنوعیت به‌کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه» در آذر ۷۵ تأکید شده است، تبصرهٔ ۵ است که می‌گوید: کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و مکان‌های تولیدی و خدماتی و تجاری موظف‌اند ظرف مدت دو سال از تاریخ ابلاغ این قانون اسامی تولیدات و ظرف مدت یک سال نام مکان‌های خود را به نام‌ها و واژه‌های غیربیگانه برگردانند.

در آیین نامهٔ دولت هم برای ابلاغ این قانون هم آمده است که دستگاه‌هایی که به کارگاه‌ها، کارخانه‌ها، اماکن تولیدی و تجاری و خدماتی پروانه تأسیس و پروانهٔ کسب یا بهره‌برداری یا اجازهٔ تولید و ادامهٔ فعالیت می‌دهند، موظف‌اند پس از صدور پروانه و اجازهٔ تولید و ادامهٔ فعالیت به متقاضیان ابلاغ کنند تا برای تغییر نام مؤسسه یا محصولات خود و گزینش نام فارسی اقدام کنند. روزنامه‌ها و نشریه‌های فارسی‌زبان هم موظف‌اند مفاد قانون را در چاپ آگهی‌های عمومی داخلی تبلیغاتی و تجاری رعایت کنند؛ بنا بر متن این قانون حتی استفاده از تابلو یا نوشته‌ها و نشانه‌هایی که به خط غیرفارسی تنظیم شده باشد، به استثنای نشانه‌های بین‌المللی ممنوع است و اگر بر سر فارسی بودن یک نام اختلاف نظر پدید آید، مرجع تشخیص، فرهنگستان خواهد بود که به درخواست دستگاه‌های مجری، نظر خود را اعلام خواهد کرد.

این بخش از قانون بیشتر به چشم آمد و به همین دلیل رعایت نشدن آن بیشتر با انتقادهایی همراه بود و وزیر ارشاد در دولت‌های مختلف به دلیل رعایت نشدن این بخش از قانون بود که برای پاسخگویی به مجلس فراخوانده می‌شدند. ناگفته نماند که به‌طور مستمر جلساتی برای رسیدگی به تذکر و اصلاح به فروشندگانی که نام‌های غیرفارسی داشتند، در سال‌های گذشته برگزار می‌شد و احتمالاً می‌شود و موارد متعددی نیز نام‌ها به فارسی برگردانده شد؛ با این حال، به دلیل اینکه این واژه‌ها در منظر عمومی است و به چشم می‌آید، همچنان چالش‌برانگیز بوده و هست. البته در اجرای این قانون فضای بازتری ایجاد شد؛ به‌گونه‌ای که علاوه بر اسامی فارسی و سایر اسامی مربوط به اقوام مختلف ایران که غیربیگانه محسوب می‌شوند، آن دسته از کلمات عربی و همچنین بعضی از واژه‌های مربوط به دیگر زبان‌ها که از دیرباز در زبان فارسی رواج یافته و هم اکنون جزئی از زبان فارسی محسوب می‌شوند یا برخی از واژه‌ها و اصطلاحات عربی برگرفته از متون و معارف و فرهنگ اسلامی که با بافت زبان فارسی همخوانی و تناسب داشته باشند، واژهٔ بیگانه تلقی نشده و استفاده از آن‌ها را مجاز اعلام کرده است. برای سروسامان دادن به اسامی فروشگاه‌ها و واحدهای صنفی به منظور پاسداری از زبان و ادبیات فارسی قانون مشخصی وجود دارد؛ اما همان‌گونه که شاهدیم، در این زمینه حتی وجود قانون و آیین‌نامهٔ اجرایی هم نتوانسته است مؤثر واقع شود. حال سؤال این است که برای بهبود این وضعیت چه راهکارهایی وجود دارد؟ طبیعی است که استفاده از هر اسمی باید به تأیید ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی برسد و برای برخی از اسامی استعلام از فرهنگستان زبان و ادب فارسی و تأیید فرهنگستان زبان و ادب فارسی هم الزامی است. بی‌گمان مشخص شدن دایرهٔ نام‌های مجاز، البته نه اینکه این دایره عرصهٔ انتخاب را برای صاحبان واحدهای صنفی تنگ و محدود کند، شاید یکی از راهکارهای مناسب برای اجرای صحیح این قانون باشد.